

اعلامیه

فیصله اخیر دادگاهی در کابل یکبار دیگر این امر را به ثبوت رساند که در نزد طبقات حاکم ارتجاعی فئودال و کمپرادور و امپریالیستهای حامی آنها حراست از مالکیت خصوصی بر حراست از "ناموس" و شرف مردم ارجحیت دارد

دادگاهی در کابل بتاريخ 7 سپتمبر 2014 هفت متهم یک دوسیه (پرونده) را بجرم آدم ربائی، تجاوز به عفت و سرقت مسلحانه به اعدام محکوم نمود. رئیس دادگاه برای پنج تن از متهمین 15 سال زندان بجرم آدم ربائی و 20 سال زندان بجرم زنای به عفت و حکم اعدام به جرم سرقت مسلحانه صادر کرد. دو متهم دیگر از اتهام زنا برائت حاصل کردند اما به جرم شرکت در آدم ربائی به 20 سال زندان و به جرم سرقت مسلحانه محکوم به اعدام شدند. در اینجا بوضوح ملاحظه میشود که در قوانین جمهوری اسلامی استعماری افغانستان جرم "تجاوز گروهی بر زنان" کمتر از جرم سرقت اموال این زنان قربانی تجاوز است بعبارت دیگر "حراست از مالکیت خصوصی" بر "حراست از ناموس و شرف" افراد ارجحیت داده شده است که مصداق مفهوم "تقدس" مالکیت خصوصی در نزد طبقات حاکم ارتجاعی است. در حالیکه در این واقعه جنایتکارانه چهار تن از زنان و حشبانه مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند و از جمله این چهار زن یک دختر هژده ساله بیش از ده بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. که علاوه بر تصدیق مراجع طب قانونی خود متهمین نیز در محکمه به جنایات شان اعتراف کردند.

طبق گزارش پولیس دولت مزدور این باند جنایتکار بتاريخ (31) اسد 1393 اعضای چند خانواده را که از محفل عروسی دریغمان به شهر کابل بازمی گشتند، اغوا کرده و بعد از سرقت اموال آنها چهار زن را مورد تجاوز گروهی قرار داده اند. طبق گزارش طب قانونی قربانیان این جنایت فجیع و هولناک بین 18 تا 35 سال سن دارند. و این باند جنایت شان را با لباس پولیس انجام داده اند. این جنایت غیر انسانی و فجیع مردم افغانستان را شدیداً منجر و روان آنها را متالم ساخته است. این حادثه جنایتبار موج اعتراضات و تظاهرات را علیه دولت دست نشانده در چندین ولایت کشور برانگیخت که برای حفظ امنیت و حراست از حیثیت آنها کمترین توجهی نمی کند. و نیز در این واقعه دفاعیه و کلای متهمین این جنایت شنیع نیز قابل تأمل است که در دفاع از این باند جنایتکار و وحشی میگویند: "متهمان به دلیل بیسوادی، بیکاری فقر و وضعیت نابسامان سیاسی تحت تاثیر وضعیت نامطلوب روانی قرار گرفته و تن به چنین خواستههای نفسانی داده اند". این و کلاء که از طرف وزارت عدلیه دولت مزدور در دفاع از این متهمین موظف شده اند با ارایه ای همین "دلایل" برای این باند جنایتکار تقاضای "استرحام قضائی" کردند.

در مطلب فوق متن فیصله قاضی محکمه (دادگاه) مطابق به قوانین مدون نظام نیمه فئودالی و مستعمره در افغانستان است که بوضوح ماهیت طبقاتی آن را آشکار میسازد که حراست از مالکیت خصوصی بر حفظ "ناموس" و شرف مردم اهمیت دارد. در حالیکه در نزد توده های خلق شریف عکس آن است. و در بین عوام کشور ضرب المثلی وجود دارد که میگویند: "مال فدای سروسر فدی ناموس"! در باره ای متن "دفاعیه" و کلای مدافع وزارت عدلیه دولت استعماری از این باند جنایتکار لزومی به توضیح بیشتر نیست و محتوی متن معرف ماهیت ایدئولوژی و طرز تفکر و نحوه قضاوت این "وکلاء" بوده و بروشنی عیان می سازد که کوچکترین توجهی به حقوق و شرف و حیثیت و زخمهای روانی قربانیان این جنایت ننگین نکرده و با کمال بیشرمی علم روان شناسی را به سخریه گرفته در دفاع از این باند اوباش جنایتکار به چنین استدلال احمقانه و سفیهانه ای متوسل شده اند. از جانب دیگر خلاف استدلال واهی و کلای مدافع این باند، این قماش باندهای اوباش و جنایتکار چه بیسواد باشند و چه باسواد، فاقد وجدان و شرافت انسانی بوده و کوچکترین احساس حرمت به ناموس مردم ندارند. جایی شک نیست که در جامعه عقب نگهداشته شده وزیر سلطه استعمار و حاکمیت باندهای جنایتکار و وطن فروش؛ بیکاری

و فقرمزم از جمله مسایلی اند که توده های مردم را تحت فشار روانی شدیدی قرار میدهند و زمینه را برای شیوع امراض روانی و جسمی مساعد ساخته و بعضاً زمینه ای برای ناهنجاریهای اجتماعی میشود که مسئول اصلی آن هم طبقات حاکم ارتجاعی هستند. اما در طول قرنهای کتله های میلیونی خلق شریف این مرزوبوم درمنجلا ب فقر و گرسنگی و بیچارگی گرفتار هستند؛ اما هرگز دست به چنین جنایات هولناک نزده اند. در حالیکه این جنایت وحشیانه و ننگین توسط یک باند لومپن و اوباش ورهزن حرفه ای صورت گرفته که کوچکترین ذره ای از شرافت و اخلاق و وجدان توده های خلق شریف افغانستان در آنها سراغ نمی شود. استدلال وکلای مدافع این باند جنایتکار مانند استدلال گروهی از رهزنان جنایتکاری است که چند سال قبل در ولایت بلخ راننده یک تکی را اغوا کرده و در دشت شادبان شهر مزار شریف او را بقتل رساندند و تکی وی را به سرقت بردند. پولیس بلخ تصادفاً این دزدان را دستگیر کرد و در محکمه همین نظام استعماری تحت رهبری باند کرزی مزدور و بداران امپریالیست وی چنین از خود "دفاع" کردند: "از بیکاری مجبور به این سرقت و قتل شده ایم!". در کشوری که منطق و استدلال وکلای محکمه و دزد و جنایتکاری باشد؛ صدای بر مردمان تحت ستم و مظلوم و بی دفاع این کشور!!

واقعه اخیر از جمله موارد نادری است که طی سیزده سال اخیر توسط سارنوالی (دادستانی) با "جدیت" پیگیری شده و هرچه سریع در محکمه ابتدائی حکم علیه متهمین صادر شده است. اینگونه وقایع جنایتبار طی حدود چهار دهه خاصاً در سیزده سال اخیر در سراسر کشور به کثرت اتفاق افتاده است و در موارد زیادی "ناموس" مردم بوسیله باندهای مسلح قدرتمند مرتبط با حکام عالی رتبه دولت پوشالی و باندهای لومپن و اوباش وابسته به آنها در معرض تجاوز قرار گرفته است؛ ولی هیچ مرجع امنیتی و قضائی در دفاع از شرف و حیثیت و حقوق انسانی آنها بر نیامده است. در مواردی هم اگر در دستگیری مجرمین اقدامی صورت گرفته است، آنها به وساطت زورمندان داخل و خارج دولت مزدور، بعد از اندک مدتی از زندان رها شده و دوباره دست به چنین جنایات ننگینی زده اند.

مردم افغانستان نه تنها در منجلا ب فقر و گرسنگی و انواع مریضیهای روانی و جسمی و مصایب و بدبختیهای زیادی گرفتار هستند، از همه حقوق اجتماعی و انسانی شان محروم بوده و از کمترین امنیت و مصئونیت برخوردار نبوده و همواره مورد چنین تجاوزات وحشیانه و تعدی های غیر انسانی قرار گرفته اند. فقط یک راه پیشرو دارند: بیدار شوند و برای دفاع از استقلال و آزادی، "ناموس" و شرف و نوامیس ملی شان بپاخیزند و بر سلطه استعماری امپریالیستهای اشغالگر امریکائی و ناتو و حاکمیت دولت دست نشانده متشکل از باندهای وطن فروش، خاین و جنایتکار خاتمه دهند. این یگانه راه نجات آنها از حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال کمپرادور و سلطه استعمار و امپریالیسم است.

10 سپتمبر 2014

(وبسایت "پیام آزادی")